

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

فروست:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

موضوع:

موضوع:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

آیت مهدوی، مصطفی، ۱۳۳۰ -

ایجاد مبارزات آیت الله العظمی آقاجانی اصفهانی علیه بابیان ازلیه و بهائیه: بررسی فرقه سازی
استعمار انگلیس در کشورهای اسلامی و مقابله زعمای شیعه در عصر قاجار / مصطفی آیت مهدوی.
اصفهان: آرما، ۱۳۹۰.

ص ۳۲۰

مجموعه کتاب های همایش مرجع بیداری اسلامی؛ ۳

۵-۵-۰۵-۶۰۷۷۰-۶۰۰-۹۷۸

فیفا

آقا نجفی، محمدتقی بن محمدباقر، ۱۳۶۲ - ۱۳۳۲ ق.

روحانیت -- ایران -- فعالیت های سیاسی

۹۱۳۹۰ ش آ ح / ۱۴۵۳ DSR

۹۵۵/۰۷۵۰۹۲

۲۳۰۹۲۸۱

ایجاد مبارزات آیت الله العظمی آقاجانی اصفهانی علیه بابیان ازلیه و بهائیه

بررسی فرقه سازی استعمار انگلیس در کشورهای اسلامی و مقابله زعمای شیعه در عصر قاجار

از مجموعه کتاب های همایش بیداری اسلامی - ۳

مصطفی آیت مهدوی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه / نوبت چاپ اول / ۱۳۹۰

نشر آرما

طراحی و صفحه آرایی: گروه فرهنگی هنری مسک

شابک: ۵-۵-۰۵-۶۰۷۷۰-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر محفوظ است

فهرست مطالب

۱۵ مقدمه کنگرد

۱۹ مقدمه

بخش اول: خط درگیری اجتهاد اصولی با ارتداد علمی - نهضت

فصل یکم - ریشه های درگیری و دشمنی بایان ازلی و بهائی با مرحوم آقا

۳۳ نجفی (اصول)

فصل دوم - چالش های پیش روی مرحوم آقا نجفی

فصل سوم - تفاوت وضعیت و روش علمای اصفهان به محوریت مرحوم

۴۲ آقا نجفی با علمای مشروطه خواند نجف و تهران

فصل چهارم - آقا نجفی و سایر مجتهدان مشروطه خواه به مثابه جبهه ی

۴۴ رفض اصولی علیه جریانات ضال و مضیل

بخش دوم: نهضت اصولی انحراف ستیز (از ردیه نویسی تا

۴۷ مشروطه خواهی)

۵۰ فصل یکم - نهضت ردیه ی نخبگان علمی و عملی شیعه

(الف) ردیه های مکتوب و نظری / ب) ردیه ی عملی نخبگان سیاسی -

اجتماعی شیعه بر منحرفین)

۵۴ فصل دوم - ردیه های آقا نجفی اصفهانی

(الف) ردیه های مکتوب و نظری / ب) ردیه های عملی)

	بخش سوم: مواجهه‌ی مقتدرانه و خشونت‌آمیز مرحوم آقا نجفی با بابیان
۵۷	ازلی و بهائی
	فصل یکم- اشتراک فکری بابیان و ازلی و بهائی با افکار قدیم و جدید
۶۰	شیخی و غربی مخالف آموزه‌های اسلامی
	فصل دوم- منابع فکری و مآخذ دعاوی تعالیم و احکام میر علی محمد
۶۷	باب و میرزا حسن علی بهاء و پیروانشان
	فصل سوم- مقابله با تروریسم بابی ازلی - بهائی و حاسوسی و
۹۶	بغایه پرستی آن‌ها
	فصل چهارم- احساس خطر بر باد رفتن حاصل زحمات علماء و مردم در
۱۰۱	نهضت عدالت خواهانه
۱۱۷	بخش چهارم: کنکاشی در لوح ابن الذب
۱۱۹	فصل یکم- جنبه‌هایی روانشناختی از لوح «ابن الذنب»
۱۲۲	فصل دوم- بررسی مضامین «لوح ابن الذنب»
	بخش پنجم: مبانی فکری آقا نجفی اصفهانی در مواجهه‌ی عملی با
۲۰۳	متحرفین ازلیه و بهائیه
	فصل یکم: موضع مشترک آقا نجفی و سایر علمای اصولی شیعه در
۲۰۶	مخالفت و درگیری با فرق بابیه و ازلیه و بهائیه
	فصل دوم مواضع خاص آقا نجفی اصفهانی در انحراف ستیزی علیه
۲۶۷	فرق ضاله
	■
۳۷۳	پاورقی‌ها
۳۱۳	فهرست منابع

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله... (سورة هود مبارکہ ی اناس)
 الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله... (سورة هود مبارکہ ی اناس)
 الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله... (سورة هود مبارکہ ی اناس)
 الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله... (سورة هود مبارکہ ی اناس)

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله... (سورة هود مبارکہ ی اناس)
 الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله... (سورة هود مبارکہ ی اناس)
 الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله... (سورة هود مبارکہ ی اناس)

اهداء:

این مکتوب کوتاه، نارسا و ناقابل را هدیه می‌کنم به امام زمانم حضرت بقیة الله الاعظم حجة ابن الحسن العسکری صلوات الله علیه و روحی و ارواح العالمین فداه؛ و به نواب خاص و عام آن حضرت، بالاخص روح بلند امام فقید و مؤسس حکومت اسلامی حضرت آیه الله روح الله الموسوی الخمینی قدس الله نفسه الزکیه؛ و هدیه می‌کنم به والدین عزیزم محمد مهدی و ستاره که روانشان شاد باد؛ و به همه‌ی آن‌ها که حق تعلیم و تربیت بر ذمه‌ام دارند، به خصوص استادی که معرفت و محبت امام عصر علیه السلام و دشمنی با دشمنانش و دوستی با دوستانش را به من آموخت و خود، دلسوخته‌ی آن حضرت بود، مرحوم مفتور حاج آقا ابراهیم مهدوی نور الله مضجعه الشریف؛ و نیز به شهدای عزیز و بزرگوار شیعه از صدر اسلام. اللهم الحقنا بهم و ادخلنا فی عبادک الصالحین و تقبل منا و وفقنا لما تحب و ترضی. اللهم آمین.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطيبين الطاهرين المعصومين

نقش شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخی در حیات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی امروز ما بسیار قابل توجه است. ابعاد این تأثیر و سیر آن می‌تواند نه تنها موضوع پژوهش مهمی باشد، بلکه می‌توان با آن به صورت عمیقی نسبت "برقرار نمود". این نسبت نه تنها بین امروز و گذشته برقرار می‌گردد، بلکه اگر با تأمل و تفکر صحیح صورت پذیرد به "هویت" و آینده ما نیز مربوط می‌شود. مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی مشهور به آقاجنقی از جمله رجال دینی سرشناسی است که حیات علمی و سیاسی و اجتماعی‌اش با بخش مهمی از تاریخ ایران به خصوص حرکت بیداری اسلامی در دنیای اسلام و عالم شیعی پیوند خورده است.

به مقطع زمانی اشاره می‌کنیم که استعمار غرب با همه توان در جهت نفوذ، استحکام و رسیدن به "عالم غرب" تلاش می‌نموده است و عالمان آگاه دین و مراجع بزرگ برای حفظ هویت شیعی که پاسداری از کیان اسلام و ایران هم تلقی می‌شده است پا به این رویارویی همه جانبه گذاشتند.

تألیفات مرحوم آقاجنقی و سیر حرکت علمی، اخلاقی، و اجتماعی وی روایت مهمی از این مواجهه تاریخی گذشته و هویتی آینده ما می‌تواند تلقی گردد. به همین منظور به مناسبت یکصدمین سالگرد رحلت این عالم ربانی به پاس تجلیل از خدمات علمی و مبارزات سیاسی این شخصیت ارزشمند که مانند بسیاری دیگر از رجال صاحب نام به درستی و دقیق شناخته نشده است، بر آن شدیم تا با چاپ برخی آثار ارزشمند ایشان غبار فراموشی از چهره وی زدوده و ضمن محاوره جدی با تاریخ فکری گذشته "انس" برقرار نماییم. انسی که می‌تواند گذشته را چراغ راه آینده قرار دهد.

ستاد بزرگداشت یکصدمین سالگرد

رحلت عالم ربانی آیت الله العظمی آقاجنقی اصفهانی

به نام خدا

مقدمه:

آن چه که اکثر استوانه‌های حکمت و عرفان همواره به آن هشدار داده‌اند، این است که در راه آموختن حکمت و طی طریق سلوک عرفانی، (به فرض که راه درست و حقی باشند) بدون استاد قدم نگذاریم:

طی این مرحله بی‌همری خضر مکن! — طلعات است بقرین از خطر گمراهی.

به علاوه اساتید متشرع عرفان تأکید دارند که در عبادات و ریاضات شرعی همواره از افراط پرهیز و جانب اعتدال نگه داشته شود و وقتی به نوافل و مستحبات پرداخته شود، که شوق در غلیان است و تا اشتیاق باقیست، باید آن را ترک نمود که نفس چموش اماره‌ی بالسوء، طغیان و سرکشی نکند و آثار مثبت اعمال و ریاضات را تبدیل به عکس آن که گمراهی و سک و سردید و نفاق است، ننماید. همچنین اساتید حکمت و عرفان در گزینش شاگردان خود، چه در فلسفه و چه در سیر و سلوک عرفانی دقت و سخت‌گیری فراوان دارند تا حتماً افراد با استعداد (چه از جهت قوای عقلی و چه از نظر استعداد عاطفی و قلبی و چه از جهت قوای بدنی و استقامت و استطاعت در عبادت و ریاضت) را دستگیری کرده و تحت تعلیم و تربیت قرار دهند و بر اتمام تحصیل و سیر و سلوک آن‌ها اصرار فراوانی دارند که ناتمام نمانند. تهذیب نفس همزمان با تحصیل علم نیز نزد آن‌ها بسیار مهم است. بسیاری از منحرفین در طول تاریخ، از همین سه ناحیه ضربه خورده و سر از بیغوله‌های بدعت، غلو، کفر و شرک، و الحاد و انکار در آورده و موجب اضلال انسان‌های ساده‌دل، شتابزده، بی‌دانش و غافل، و افساد در جوامع مؤمنین گردیدند.

عامل چهارمی هم که متشرعین همواره بر آن تأکید داشته و دارند، مراقبت در حفظ خلوص دینی، تقید به نصوص و متون مقدس و پرهیز از التقاط دین و غیر دین است و البته نادیده انگاشتن این عامل هم در گمراه شدن و گمراه کردن اثر فراوانی داشته است و نمونه‌ی آن، پولس مقدس است که به دلیل اطلاعاتی که از فلسفه و اساطیر یونان باستان داشت و آمیختن آن با مسیحیت، موجب رواج شرک تثلیث در اروپا گردید. زیرا تعالیم و عقاید وی با اسطوره‌های یونان و روم باستان همخوانی داشت و مورد استقبال اروپایی‌های مسیحی شده واقع گشت! در ایران قرون معاصر نیز اشخاصی پیدا شدند که به دلیل نقص و کوتاهی در موارد فوق، گمراه و موجب گمراهی و افساد شدند؛ از جمله شیخ احمد احسانی که علی‌رغم تیزهوشی، حافظه، استقامت در عبادت، و روحیه‌ی تعبد و تقدس‌پرستی داشت، اما در اروپا و بدون استاد به مطالعه‌ی فلسفه و عرفان و معارف شیعی پرداخت و موجب خلط و مزج آن‌ها و انضمام یک سری تخیلات و خرافات به آن‌ها و پیدایش گروه گمراه شیخی گردید.

پس از وی شاگردش سید محمد کاظم رشتی که او نیز باهوش، و ظاهراً مقدس و متعبد بود، رئیس شیخیه شد و با توجه به این که وی همان اطلاعات وسیع اما کم عمق استادش را هم نداشت گروهش را به ضلالت نزدیکتر نمود. از میان شاگردانش مدعیانی پیدا شدند که همچون وی به تحقیر و هتک حرمت علمای بزرگ پرداخته و دچار خودشیفتگی و عجب و احساس خود بسندگی بودند! البته بسیاری از آن‌ها هم با استعداد و پر حرارت و اصلاح طلب(!) بودند، اما فقدان استاد افراط‌گری، التقاط حق و باطل، و ناتمام بودن سلوک معنوی و مطالعات و تحصیلات دینی (نقلی عقلی) باعث شد که علی‌رغم طبع اصلاح‌طلبی، دچار فقر علمی و معنوی و هیاهوسازی هوچی‌گری و بالاخره افساد و اضلال گردیدند. گروهی نیز که از شیخیه نبودند، بعداً به دلایل و عوامل و علل مشابهی به آن‌ها پیوسته و با آن‌ها همداستان و همراه شدند و به یک نتیجه و انجا رسیدند. یحیی نوری و حسینعلی نوری و فاضل مازندرانی و ابوالفضل گلایگانی و امثالهم از این دسته بوده‌اند. گذشته از آن‌ها، گروهی نیز با همان ویژگی‌ها بودند، اما به تحصیلات و سیر و سلوک در علوم و فنون و روحیات و روش زندگی جدید غربی پرداختند و به همان دلایل، این‌ها نیز به افر ناقصی تبدیل شدند که علی‌رغم علم پرستی و فن پرستی و حتی به زعم خود میهن پرستی، عمده‌ی رشوه‌گیر و مفسده‌انگیز و جاده‌صاف کن استعمارگران غربی در ایران تبدیل شدند و آن‌ها

روشنفکران غرب زده (مثل یحیی دولت‌آبادی و میرزا ملکم‌خان و سیدحسن تقی‌زاده و میرزا حسین خان سپهسالار) بودند که معمولاً هم پیمان منحرfin پیش‌گفته محسوب‌گشته و در فتنه‌های منجر به مشروطیت و تا کودتای رضاخان و بعد از آن، هم پیاله و هم پیمان می‌شدند. آن‌چه گفتیم، ریشه‌ی بدعتها، فتنه‌ها و حوادث تلخ سالهای ۱۲۶۰ه. ق تا ۱۳۲۷ه. ق. (فتح تهران توسط مشروطه‌طلبان و اعدام آیه الله شهید شیخ فضل الله نوری) بود.

در مقابل عمده‌ی آن‌ها، علمای کامل (در رشته‌های فقه و اصول، فلسفه، عرفان و غیره) که هم تیزهوش و دارای استقامت فکری و قلبی و بدنی بودند و هم اعتدال در دین و دنیا و جسم و جان را رعایت کردند و هم کاملاً ملتزم به استاد بودند و هم مراقب التقاط بودند و هم مراحل تحصیل و سلوک خود را به تمام و کمال رساندند. قرار گرفتند و از جان و مال و آبروی خویش در راه دفاع از دین و ملت خود گذشتند که از جمله‌ی ایشان، مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد تقی بن محمد باقر نجفی اصفهانی بود.

نخستین سالهای قرن چهاردهم هجری قمری بسیار سرنوشت ساز بود و حوادث عجیب و معناداری در آن رخ داد که به موضوع کتاب حاضر مربوط است. از جمله وقایع آن ایام، می‌توان رویدادهای زیر را بر شمرد که نزدیکی و تقارن آن‌ها باهم، بسیار معنادار است:

۱- اعطای امتیاز رویتر (۱۸۷۳/م ۱۲۸۹ه. ق) به بارون جولوس رویتر به وساطت دو نفر از رجال اصلاح طلب (!) به نامهای میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان ناظم الدوله و لغو آن بر اثر مقاومت علماء بخصوص حاج ملّا علی کنی (رمضان المبارک ۱۲۹۰).

۲- سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا (صفر - رجب ۱۲۹۰ه. ق).

۳- تمجید کتبی از بارون رویتر به خاطر خدمات مهم اطلاعاتی برای دولت انگلستان توسط لرد سالیز بوری نخست وزیر در نامه به ملکه ویکتوریا (۱۸۹۱/م ۱۳۰۸ه. ق).

۴- عزل میرزا حسین خان سپهسالار از صدارت عظمی (رجب ۱۲۹۰ه. ق).

۵- فوت مرحوم آیه الله آخوند حاج ملّا علی کنی (۱۳۰۶ه. ق).

۶- فرمان (اعطای امتیاز) آزادی کشتیرانی در رود کارون به نفع انگلستان (صفر ۱۳۰۶ه. ق) یکسال پس از تهدیدات سردرو موندولف وزیر مختار انگلیس در تهران با وساطت امین

السلطان.

۷- سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا (۱۸۷۸م/۱۲۹۵ه. ق).

۸- اعطای امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی ایران به رویتر با وساطت امین السلطان صدر اعظم (۱۸۸۹م/جمادی الاول ۱۳۰۶ه. ق).

۹- اعطای امتیاز استخراج و بهره‌برداری معادن ایرانی به انگلیسی‌ها به وساطت امین السلطان (جمادی الاول ۱۳۰۷ه. ق/۱۸۹۰م).

۱۰- سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا (۱۳۰۶-۱۳۰۷ه. ق/۱۸۸۹-۱۸۹۰م).

۱۱- اعطای امتیاز لاتاری (بخت آزمایی) به وساطت و رشوه‌گری میرزا ملکم خان ارمنی (ذی القعدة ۱۳۰۶ه. ق) و لغو آن بر اثر اختلاف امین السلطان با ملکم و نیز فتوای حرمت آن توسط علماء (ربیع الثانی ۱۳۰۷ه. ق).

۱۲- عزل میرزا ملکم خان ارمنی از وزیر مختاری ایران در لندن و منع استعمال القاب و عناوین وی به دلیل خودداری او از اجرای امر شاه مبنی بر اعلان لغو امتیاز مذکور و پس دادن رشو (مارس ۱۸۹۰م/۱۳۰۷ه. ق).

۱۳- انتشار پاسخ تند و موهن ملکم در جرید انگلیس و آغاز انتشار نشریه‌ی قانون توسط وی (۱۳۰۷ه. ق).

۱۴- اعطای امتیاز احداث راه تهران به سواحل خلیج فارس به نفع انگلستان در آغاز صدارت عظمای امین السلطان (ربیع الثانی ۱۳۰۸ه. ق).

۱۵- متقابلاً به روسها نیز امتیازاتی چون تشکیل بریگاد قزاق، تأسیس راه تهران به رشت، واگذاری شیلات شمال، تأسیس بانک استقراضی روس و امثال آن داده شد.

۱۶- مسافرت و اقامت ادوارد گرانویل براون، مأمور وزارت خارجه و مستشرق بریتانیا به ماغوسای قبرس نزد یحیی نوری (صبح ازل) و عکای فلسطین نزد حسینعلی نوری (بهاء) و پسرش عباس افندی (۱۳۰۷ه. ق).

۱۷- اعطای امتیاز بهره‌برداری انحصاری از توتون و تنباکوی ایران به میجر تالبوت (دوست درومندولف) از طریق رشوه‌گیری درباریان (مارس ۱۸۹۰م/۱۳۰۷ه. ق) و تحریم ابتدایی آن در ۱۸۹۱ توسط برخی از علمای ایران و تحریم نهایی توسط آیه الله میرزا حسن شیرازی (۱۸۹۲م/۱۳۰۹ه. ق).

ق) و لغو آن در این سال و تحرکات تلافی جویانه انگلیسی‌ها در جهت تحریک به ایجاد انقلاب و شورش در ایران از طریق انتشار قانون در لندن و جبل‌المتین در کلکته.

۱۸- ایجاد ارتباط دیپلماتیک بین ایران و آلمان تحت حکومت ویلهلم دوم و بیسمارک (۱۸۸۵ م/ ۱۳۰۳ ه. ق) و خرید دو کشتی ۶۰۰ تنی و ۲۵۰ تنی از آلمان و تأسیس مدرسه‌ی آلمانی در تهران و مذاکره برای ایجاد راه‌آهن شمال.

۱۹- ملاقات اول ناصرالدین شاه با سیدجمال‌الدین اسدآبادی در اروپا (۱۲۹۵ ه. ق/ ۱۸۷۸ م) و دعوت از وی به ایران و ورودش به ایران در شوال ۱۳۰۳ ه. ق (۱۸۸۶ م) و برخورد نامناسب با وی در تهران و مراجعت وی به روسیه (۱۸۸۷ م).

۲۰- ملاقات دوم ناصرالدین شاه با سیدجمال‌الدین اسدآبادی در سن پترزبورگ و اتریش در سفر سوم

(۷- ۱۳۰۶ ه. ق) و آشتی و دعوت مجدد از او و ورود وی به تهران و ارتباط با علماء و مردم و تحریک آن‌ها به تحول خواهی و سختگیری امین‌السلطان به او و بست‌نشینی وی در حرم حضرت عبدالعظیم^(ع) و ایراد اتهام بابی‌گری توسط صدر اعظم به او و اخراج توهین آمیز وی از تهران به عراق عرب (۱۳۰۸ ه. ق/ ۱۸۹۱ م) و عزیمت او به لندن جهت همکاری با ملکم علیه شاه ایران.

۲۱- دعوت سلطان عبدالحمید عثمانی از سیدجمال‌الدین اسدآبادی به اسلامبول جهت مکاتبه و ارتباط با علمای شیعه در راستای ایده‌ی اتحاد اسلامی او (۱۸۹۱ م/ ۱۳۰۹ ه. ق)

۲۲- فعالیت شدید تبلیغاتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی در سالهای ۹- ۱۳۰۸ ه. ق. علیه امتیاز تالوت.

۲۳- فعالیت تبلیغی سید جمال‌الدین اسدآبادی در پاریس از ۱۳۰۱ ه. ق/ ۱۸۸۲ م تا ۱۳۰۳ ه. ق/ ۱۸۸۶ م و انتشار نشریه‌ی عروة الوثقی و مناظره‌ی مکتوب درباره‌ی اسلام و علم و نیز تبیین اندیشه‌ی اتحاد اسلام (اتحاد، مسؤولیت مشترک و همکاری، شعارهای آن نشریه بود) و دفاع از امت اسلامی و نقش علماء در برقراری اتحاد مسلمانان و ارائه‌ی پیشنهاد تعیین خلیفه‌ی اسلامی.

۲۴- آغاز دعوت مهدی دروغین سودانی (محمد احمد ابن عبدالله متمایل به زهد و صوفیه‌ی طریقت سمانیه) در شعبان ۱۲۹۸ ه. ق (۱۸۸۱ م) که بر اساس عقیده‌ی امامیه مدعی مهدویت شد، ولی در احکام از سلفیه و وهابیت پیروی می‌کرد. وی سپاه عثمانی و انگلیسی را شکست داد و

سودان را تصرف کرد و انگلیسی‌ها در مورد او با سید جمال الدین مذاکره نمودند. وی در ۱۳۰۲ ه. ق/ ۱۸۸۵ م خارطوم را فتح کرد و در همان سال مرد.

۲۵. سید جمال الدین اسدآبادی از ۱۸۹۲ م/ ۱۳۰۹ ه. ق به بعد حلقه‌ی پر حرارتی در اسلامبول تشکیل داد که علاوه بر مبارزه علیه پادشاه و حکومت ایران، مبلغ و مروج پان اسلامیسیم و اتحاد سیاسی جهان اسلام زیر پرچم سلطان - خلیفه‌ی عثمانی بود و موجب رواج و رونق اندیشه‌ی اتحاد اسلام در رجال سیاسی و مذهبی ایران گردید (به نحوی که شاهزاده ابوالحسن میرزا - شیخ رئیس - در ۱۳۱۲ ه. ق/ ۱۸۹۵ م. کتاب اتحاد اسلام را نگاشت) این جریان تبلیغی در ایران تا ۱۹۰۴ م/ ۱۳۲۲ ه. ق یعنی تا آغاز انقلاب مشروطه‌ی ایران و رواج ناسیونالیسم، علی‌رغم مرگ سید جمال الدین اسدآبادی (۱۳۱۴ ه. ق/ ۱۸۹۶ م.) و انصراف عبدالحمید از آن سیاست، رایج بود و بسیاری از علما، طرفدار آن یا دربرابرش ساکت بودند.

۲۷. نگارش و ارسال نامه‌ی حسینعلی نوری به آیه الله آقا نجفی اصفهانی (لوح ابن الذئب) در ۱۳۰۸ ه. ق/ ۱۸۹۰ م. و نگارش مقاله‌ی شخصی سیاح توسط عبدالبهاء عباس و به خواهش یا امر ادوارد براون درباره‌ی تاریخچه‌ی باییت نخستین به روایت بهائیان؛ همچنین نگارش کتاب موهن «رؤیای صادق» توسط اولی‌های مشروطه‌خواه اصفهان علیه آقا نجفی و پدرش و سایر علمای شیعه در ۱۳۲۰ ه. ق و نگارش «نقطه الکاف» توسط میرزا جانی کاشانی با مقدمه‌ی ادوارد براون که در مورد تاریخچه‌ی باییت نخستین به روایت ازلیان است. لذا بابی‌گری تثبیت تاریخی شد.

۲۸ - تبعید مرحوم آقا نجفی به تهران، یکبار در زمان ناصرالدین شاه (۱۳۰۷ ه. ق) و بار دیگر در عهد مظفرالدین شاه (۱۳۲۰ ه. ق) به اتهام فتوا و دستور متجربه قتل چند بابی ازلی و بهائی. نتیجه‌ای که از اطلاعات مذکور می‌گیریم این است که:

اولاً انگلیسی‌ها متوجه شدند که مانع اصلی نفوذ و سلطه‌ی آن‌ها در ایران، مجتهدان و علمای اصولی شیعه‌اند؛

ثانیاً آن‌ها متوجه گسترش نفوذ کلام سید جمال الدین اسدآبادی شدند که محتمل بود به عنوان خلیفه‌ی مسلمانان مطرح شود و از طرف دیگر عده‌ای ناصرالدین شاه را نیز خلیفه‌ی شیعیان پنداشته و تهران را دارالخلافه می‌نامیدند. لذا در دو سال پی در پی یکی را ترور و دیگری را مسموم

کردند.

ثالثاً آن‌ها متوجه شدند تا اصفهان از وضعیت آخوندی در نیاید، مشروطیت آینده موفق نخواهد شد و تا علمای بزرگ اصفهان و ایران از سید جمال الدین اسد آبادی جدا نشوند، نمی‌توان با ایده‌ی اتحاد اسلام مبارزه کرد و هر دوی این‌ها منوط به تغییر فکر و رفتار آقا نجفی اصفهانی است.

رابعاً با آسوده شدن از مهدی سودانی، انگلیسی‌ها به دنبال این بودند که ظهور حضرت مهدی علیه السلام را انجام شده و خاتمه یافته تلقی کنند و به نحوی، عصر جدید پس از مهدویت آغاز شود تا هم انگیزه‌ی قیامها از بین برود و هم علمای شیعه به عنوان نواب حضرت مهدی علیه السلام خود بخود از انتفاع خارج شوند. گویا مأموریت حسینعلی نوری نیز همین بود. ضمناً وی با تبلیغ تجسد خدا، پیروانش را به به مسیحیان مثل غربی (از جهت عقیدتی و ارزشی) نزدیک می‌نمود تا بهتر جذب نظام بین المللی سلطه‌گر (استعمار) شوند!

از ۱۲۶۰ ه. ق علمای شیعه از طرفی با گمراهان بابیه و ازلیه و بهائیه درگیر بودند و از طرف دیگر با بی‌تدبیری، سوء تدبیر، سوء نیت و استبداد و ستمگری شاهان و درباریان و حکام ولایات مواجه بودند و از جهت سوم نیز با دست اندازیه‌ها و مداخلات و سلطه جویی‌های دول غربی خصوصاً بریتانیا و روسیه تزاری رویارو بودند. وفات مرحوم آیه الله حاج ملا علی کنی در ۱۳۰۶ ه. ق موجب شد که آیه الله آقا نجفی اصفهانی بیشتر در معرض رهبری بسیاری از ایرانیان (در داخل) قرار گیرد.

بنابراین، در حدود ۱۳۰۷ ه. ق. اهمیت آقا نجفی و علمای اصفهان بیشتر شده بود. با توجه به تاریخ نگارش «لوح ابن الذئب» در ۱۳۰۸ ه. ق، یعنی چند ماهی پس از سفر ادوارد براون به قبرس و عکا، و محتوای آن مکتوب مشکوک، باید تحلیلی جدی و دقیق از آن ارائه شود.

موضوع اصلی کتاب حاضر نیز ارائه‌ی تحلیلی از مقابله‌ی مرحوم آقا نجفی با فرق ضالّه در میان حدود ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۰ ه. ق است و در ضمن آن، به بررسی نسبتاً دقیق محتوایی و ساختاری از لوح ابن الذئب و نیز از نامه‌ی مرحوم آقا نجفی به آیه الله میرزا حسن آشتیانی در مورد بابیه پرداخته ایم.

با توجه به محتوای لوح ابن الذئب، می‌توان اهدافی را در سه سطح برای آن، که در واقع نامه‌ی مشترک حسینعلی نوری و ادوارد براون انگلیسی محسوب می‌شود، پیدا نمود:

۱- در سطح محلی، یعنی در منطقه‌ی اصفهان و فارس و حوزه‌ی نفوذ علمای اصفهان، با ارسال نامه و جلب همکاری آقا نجفی، خاستگاه اصلی‌ترین فعالان ازلی به تصرف بهائیان در می‌آمد و

ازلی‌ها که رقیب بهائی‌ها بودند، حذف می‌شدند. همچنین فضای بسته‌ی اصفهان به روی بهائیان باز می‌شد تا به تبلیغ و ترور بپردازند. زمینه برای استحاله‌ی فرهنگی اصفهان که در سالهای آینده یکی از سکوها‌ی اصلی پرش برای کسب قدرت بود، فراهم می‌شد و استقلال نسبی فرهنگی سیاسی اصفهان (که مدیون علمای مقتدر بود) از بین می‌رفت.

۲- در سطح ملی، در صورت استقبال آقا نجفی از نامه‌ی حسینعلی نوری و مذاکره با علمای اصفهان جهت اتحاد با شاه و دربار، از طرفی موجب نفوذ و اقتدار بهائیان و روشنفکران غرب زده دهری مسلک در داخل نظام سیاسی و استحاله‌ی تدریجی آن، برای حذف نفوذ علماء و انزواء آن‌ها و نیز تغییر حکومت متحد با علماء به حکومتی لائیک و بالاخره جایگزینی حکومت و قوانین عرفی به جای شرع مطهر می‌گشت و از طرف دیگر، علمای ایران و حکام دربار قاجار را از جریان اتحاد اسلام عثمانی جدا کرده و نوعی ناسیونالیسم شیعی ایرانی را جایگزین آن می‌نمودند تا در مرحله‌ی بعد و عندالافتضاء با کودتای فردی چون رضاخان، آنرا اسلام زدایی کنند.

۳- در سطح بین المللی، اولاً آموزه‌ی شیعی مهدویت را بین مسلمانان به فراموشی می‌سپردند این موتور محرک برخی از قیامها و انقلابها مثل قیام مهدی سودانی و انقلاب عدالت‌خواهی (بعث مشروطه‌خواهی) و ماجراهای دخالت علماء در جهاد علیه روسها و لغو امتیاز رویتر و تنباکو از دست می‌افتاد و علمای شیعه عنوان «نایب امام زمان علیه السلام» و در نتیجه عنصر رهبری نهضت‌ها را دست می‌دادند.

ثانیاً مؤثرترین و پر حرارت‌ترین و انقلابی‌ترین متحد سلطان عبدالحمید، خلع سلاح می‌شد و با دست دادن مخاطبانش ساکت می‌گردید و ایده‌ی اتحاد اسلامی اواز درون فروپاشده می‌شد. ثالثاً ایده‌ی اتحاد مردم جهان در نظام بین المللی تحت سلطه‌ی استعمارگران غربی خصوص انگلستان، در صورت رایج شدن و پذیرش مردم جهان، بریتانیا را به رهبر بلا منازع جهان تبدیل موفقیت استعمار نوین را تضمین می‌کرد.

رابعاً به تدریج زمینه برای جایگزین کردن بهائیت به جای تشیع فراهم می‌شد. البته این طمع خا تشنگان قدرت بهائی و انگلیسی بود.

مقاومت و ردّ دعوت نوری از جانب آقا نجفی اصفهانی، موجب ناکامی آن‌ها در همه‌ی زمینه‌ها و فوق شد و آقا نجفی متقابلاً بایبّه را ملعون، دشمن ملت و دولت اسلامی و حضرت صاحب الزما

علیه السلام، ملجأ کفر، فتنه انگیز، مفسد فی الارض، مخرب سرزمینها و مهدور الدّم معرفی نمود و مبارزه‌ی سیاسی، اقتصادی و دینی خود را علیه آن‌ها تشدید نمود. البته طبیعی است که مبارزه‌ی وی و علمای شیعه علیه بابی‌های ازلّی و بهائی، دارای زمینه‌های دینی و تاریخی بود که در کتاب حاضر آن‌ها را به قدر بضاعت خویش توضیح داده‌ایم و خصوصاً ربطی که بین بابیه و نهضت‌ها و مکاتب فلسفی، اقتصادی و سیاسی نیمه‌ی اول قرن نوزدهم اروپا (عصر الحاد) وجود داشت، را کالبد شکافی نموده‌ایم. همچنین کوشیدیم تا از منظر قرآن کریم و خصوصاً با دیدگاه شیطان شناسی به باب و بهاء و حرکت و افکار ایشان بنگریم.

هرچند کتاب حاضر سخن را در مورد مهمترین فرقه‌های منحرف ایران معاصر به پایان نبرده است؛ اما قطعاً از منظری نو آن را کاویده و جایگاه رئیس اول بهائیان (حسینعلی نوری) را در سیاست خارجی خاور میانه‌ای انگلستان بطور واضح تری تبیین کرده و متقابلاً اهمیت نقش علمای شیعه به ویژه آقا نجفی اصفهانی را در آن عصر مشخص تر نموده است. همچنین شاید برای نخستین بار نامه‌ی حسینعلی مذکور به آقا نجفی (لوح ابن الذئب یا لوح شیخ) را مورد بررسی نسبتاً دقیقی قرار داده و منحصر به دعاوی دینی و یا رابطه‌ی مبهم وی با روسها و انگلیسی‌ها ننموده است، زیرا آن دعاوی هندو - بودا - مسیحی و این رابطه، فقط مقدمه‌ای برای پیش بردن سیاست خارجی انگلیسی‌ها و روسها در ایران و عثمانی (خاور میانه) بود و لوح ابن الذئب آئینه‌ای برای شناخت آن سیاست است.

این کتاب، نقدی دینی بر بابیت و بهائیت نیست. اما به خاطر بررسی لوح مذکور، به ناچار برخی از ادعاها و شبهات باب و بهاء نیز مطرح شده‌اند و وظیفه‌ی نگارنده، ارائه‌ی پاسخ‌هایی مختصر (نقضی) یا مفصل (حلی) به آن‌ها بود تا در ذهن خوانندگان شبهه‌ای نماند. همچنین گاهی سخنانی به طنز گفته شده تا تقدس ساختگی و بی‌مبنای رهبران بابیت و ازلیت و بهائیت را بشکنم و در همین راستا، از به کار بردن القاب احترام آمیز ساختگی نیز برای آن‌ها پرهیز کرده‌ام.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و مارستگار